رابطه شرم مادر و هوش موفق (تحلیلی، عملی، خلاق) در فرزند: نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد در فرزند

دکتر آزاده فرقدانی[1]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط مستقیم و غیر مستقیم شرم در مادر با هوش موفق(تحلیلی، عملی و خلاق) در فرزند بر اساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد(اهمیت قضاوت دیگران، نیاز به خشنودی دیگران، نیاز به تایید دیگران، آسیب پذیری و ایده ال گرایی) در فرزندان انجام شده است. جامعه پژوهش همهٔ مادران سرپرست خانوار دارای فرزند نوجوان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) اسلامشهر و فرزندان نوجوان مشغول به تحصیل آنها در مدارس عادی مقطع متوسطه بوده است. پس از ارائه مقیاس شرم ریزوی(۲۰۰۹) به مادران (۲۵۰ نفر) به منظور تفکیک مادران دارای تجربه شرم، پرسشنامه‌های هوش موفق گریگورنکو و استرنبرگ (۲۰۰۲) و نگرشهای ناکارآمد وایزمن و بک (۱۹۷۸) در اختیار فرزندان آنها (۲۵۰ نفر، ۱۸-۱۵ سال) قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با تعداد نهایی ۲۴۵ نفر(به دلیل افت آزمودنی) با رگرسیون چند متغیره و بر اساس تحلیل مسیر صورت گرفت. یافته‌ها حاکی از عدم رابطه مستقیم شرم مادر با هوش موفق و ابعاد آن است. همچنین شرم با میانجی‌گری نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب پذیری با هوش موفق، هوش عملی و هوش تحلیلی رابطه دارد. نگرش ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران نیز میانجی رابطه شرم مادر با هوش خلاق است. بنابراین شرم مادر به طور غیرمستقیم با افزایش نگرشهای ناکارآمد در فرزند، هوش موفق و ابعاد آن را در فرزند کاهش می‌دهد. نگرشهای ناکارآمد و اساساً سازه‌های شناختی یکی از میانجی‌های مهم تأثیرگذاری شرم به منزلهٔ یک گرایش کلی شخصیتی و هیجانی در مادر بر عملکرد شناختی فرزند است.

کلید واژگان: شرم، هوش موفق، نگرشهای ناکارآمد

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۱

۱. استادیار گروه روانشناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران(نویسنده مسئول) edalataz@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

مقدمه

برخلاف تعاریف سنتی از هوش که غالباً بر نقش سازگاری با محیط تأکید شده است، هوش از نظر رابرت جی. استرنبرگ[1] (۱۹۹۳)، صرفاً انطباق با محیط نیست، بلکه شامل تغییر دادن محیط برای تناسب با خود (شکل دادن) و گاهی یافتن محیطی جدید برای تحقق‌یافتن مهارتها یا تمایلهای فرد نیز می‌شود (استرنبرگ، ۲۰۰۳). گاهی اوقات سازگاری فردی صرفاً منافع و مصالح فردی را تأمین می‌کند و برای جامعه نفعی ندارد. بنابراین هوشبهر مهم است، اما ضامن یک جهان بهتر نیست. اینجا همان نقطه‌ای است که می‌توان به اهمیت سازه‌ای مانند هوش موفق[2]، اشاره کرد (استرنبرگ، ۲۰۱۸a). هوش موفق که به‌منزلهٔ توانایی دستیابی به موفقیت در ابعاد مختلف زندگی و در چارچوب ملاکهای شخصی و در بافت فرهنگی و اجتماعی تعریف می‌شود (استرنبرگ، ۲۰۰۳) شامل هوش تحلیلی[3] (تحلیل، ارزیابی و مقایسه، تفکر و حل مسأله)، هوش عملی[4] (به‌کارگیری دانش برای حل مشکلات روزمره و هوش اجتماعی) و هوش خلاق[5] (خلق ایده‌های جدید و کنار آمدن به شیوه‌ای تازه با مشکلات) می‌شود (باچینسکا و تورنتون[6]، ۲۰۱۷؛ مندلمن، باربوت و گریگورنکو[7]، ۲۰۱۵). خانواده و به ویژه مادر، نقشی مهم در تعریف کامل‌تر فرزند از موفقیت خود دارد و از نظر استرنبرگ (۱۹۹۳)، والد کارآمد، خودگرایی را در فرزند خود پرورش می‌دهد (به نقل از ملک‌پور، ۱۳۸۲). در این میان، هیجانهای منفی مانند شرم[8]، تأثیر بسیار بر رشد تواناییهای شناختی و غیرشناختی فرزند می‌گذارد (ون‌در واردن، برنارد، دی‌آگوستینی، سارل کیوبیزولس، هودو و ملکیور[9]، ۲۰۱۶). از نظر تانژنی[10] (۱۹۹۶) در هیجان خودآگاه شرم، «خود» نقش محوری دارد (به نقل از زینی‌وند، امینی‌جاوید و مرادی، ۱۳۹۴) و فرد دارای رفتارهای اجتنابی و خودشکن (محمدی، جوکار و حسین‌چاری، ۱۳۹۳) و اسنادهای منفی غیرقابل کنترل، کلی، درونی و باثبات (داف[11]، ۲۰۱۴) است و کاهش عاطفه مثبت، اضطراب زیاد، از دست دادن

1. Sternberg
2. Successful intelligence
3. Analytical intelligence
4. Practical intelligence
5. Creative intelligence
6. Baczynska & Thornton
7. Mandelman, Barbot & Grigorenko
8. Shame
9. Van der Waerden, Bernard, De Agostini, Saurel-Cubizolles, Peyre, Heude & Melchior
10. Tangeny
11. Duff

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

عزت‌نفس (پنیا[1]، ۲۰۱۶)، احساس درماندگی و کمبود کنترل بر زندگی، سردرگمی، ترس و خشم را تجربه می‌کند (شونسی[2]، ۲۰۱۸).

همچنین زنان در مقایسه با مردان به علت تأثیرپذیری متفاوت از فرهنگ جمع‌گرایی به ویژه در جوامع آسیایی در زمینهٔ نقشهای مورد انتظار از آنها و کلیشه‌های جنسیتی، بیشتر مستعد تجربه شرم هستند (پنیا، ۲۰۱۶؛ اعتماد، جوکار و راهپیما، ۱۳۹۴) و در این میان، مادران دارای موقعیت اجتماعی ـ اقتصادی پایین و سرپرست خانواده با چالشهای بیشتری مواجه هستند. بر اساس نظریه ناهمخوانی خود و تفاوت خود واقعی و خود ایده‌آل به‌عنوان یک مادر (لیس، شیفرین و ریتسو[3]، ۲۰۱۳؛ پاریزت ـ اسپارکس، بافرد و کلاین[4]، ۲۰۱۵) خود انتقادی بالا در مادر شرمگین (پورتر، زلکوویتز و کول[5]، ۲۰۱۸) مانع فراهم کردن شرایط باثباتی برای درگیر کردن فرزند در فعالیتهای شناختی، اجتماعی و هیجانی می‌شود (ون‌در واردن و همکاران، ۲۰۱۶). بر اساس پژوهشهای انجام شده شرم و خودکارآمدی پایین مادر با کاهش کارکردهای شناختی و رشد شناختی (چا[6]، ۲۰۱۸)، خودتنظیمی کمتر (پاتک ـ پکام، کنینگ و لیمن[7]، ۲۰۱۸)، اشتیاق کمتر برای انجام دادن تکالیف (موتن و روسکام[8]، ۲۰۱۵)، راهبردهای خودکنترلی منفی (مویلانن و رامبو هرناندز[9]، ۲۰۱۵)، عزت‌نفس کمتر (فرشاد، سلیمی‌بجستانی، اسماعیلی و حبیبی، ۱۳۹۴)، خودکارآمدی پایین (آرمین، سهرابی و کاظمی، ۱۳۹۰)، خود ناتوان‌سازی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳) و کاهش هوشبهر کلامی، عملی و توانایی استدلال کلامی و هوش سیال (ون‌در واردن و همکاران، ۲۰۱۶) در فرزندان رابطه دارد. همچنین تحقیقات حاکی از رابطه مثبت حساسیت مادرانه با هوش فرزند در نوجوانی است (دانکل و منیه[10]، ۲۰۱۸). اما آنچه مستلزم توجه بیشتر است، مکانیزمهای تأثیرگذاری شرم مادر بر هوش موفق فرزند است. عملکرد والد دارای شرم موجب فعال شدن نگرشهای منفی و بازداری فرزندان از استقلال هیجانی و عملکردی (مینتز[11]، ۲۰۱۳) و تضعیف مهارتهای شناختی

1. Peña
2. Shaughnessy
3. Liss, Shiffrin & Rizzo
4. Parisette -Sparks, Bufferd & Klein
5. Porter, Zelkowitz & Cole
6. Cha
7. Patock- Pekham, Canning & Leeman
8. Mouton & Roskam
9. Moilanen & Rambo-Hernandez
10. Dunkel & Menie
11. Mintz

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

(واچا[1]، ۲۰۱۰) می‌شود. بنابراین به‌نظر می‌رسد نگرشهای ناکارآمد[2] را بتوان به‌عنوان مکانیزم تأثیرگذاری شرم مادر بر هوش موفق فرزند، در نظر گرفت.

نگرشهای ناکارآمد از دو طبقه نگرانیهای میان- فردی (نیاز به تأئید دیگران، اهمیت خشنود کردن دیگران و اهمیت قضاوت آنها) و نگرانیهای مربوط به پیشرفت فردی (ایده‌آل‌گرایی و آسیب‌پذیری) تشکیل شده است (که‌یه و میو[3]، ۲۰۱۶). این نگرشها بر مبنای تقاضامند بودن که شامل انتظارات غیر واقع‌بینانه از خود و دیگران می‌شود، قرار گرفته‌اند و عدم برآوردن این انتظارات با احساس حقارت همراه است. نگرشهای ناکارآمد در دوران نوجوانی می‌تواند حتی افسردگی نوجوان را در بزرگسالی پیش‌بینی کند (چیمتورز[4] و همکاران، ۲۰۱۷) و توانایی شناختی، عاطفی و رفتاری فرد را برای کارکرد مناسب در موقعیتهای گوناگون، کاهش دهد (لی[5]، وسبکر[6]، لی و لی، ۲۰۱۵). در دوران نوجوانی، ترسهای میان- فردی در ارتباط با تأئید نشدن، خشنود نکردن دیگران و چگونگی قضاوت جامعه و همسالان، ایده‌آل‌گرایی غیرمنطقی و یا ترس از آسیب‌پذیری دیده می‌شود. این نگرشها و ترسها در نوجوانی که دارای مادر شرمگین است، کارکردی منفی‌تر دارند و یک مادر ناکارآمد با دادن بازخوردهای منفی و غیرسازنده به فرزند خود، شناختهای منفی را در او شکل می‌دهد. در چنین شرایطی، موقعیت اقتصادی ـ اجتماعی پایین نیز به‌مثابه یک زمینه منفی می‌تواند به سبب تجربه رویدادهای منفی‌تر در زندگی و شکل‌گیری واکنشهای هیجانی شدید و منفی، باورهای شناختی ناسازگارانه را در فرزند شکل دهد (هانگ[7]، لی، سای[8] و تان[9]، ۲۰۱۷). براساس نتایج پژوهشها، ادراک بالای تعارض و تنش تجربه شده از سوی فرزند با نیاز بیش از حد برای تأئید و باورهای منفی درباره خود اجتماعی (لی و همکاران، ۲۰۱۵) رابطه مثبت دارد. همچنین، تحقیقات حاکی از آن است که نگرشهای ناکارآمد با عملکرد کلی فرد در زندگی (ارتکین، ییلدریم و سایین[10]، ۲۰۱۸)، خود جهت‌دهی (اتانی، سوزوکی، ماتسوموتو و انوکیدو[11]، ۲۰۱۶)، عزت نفس و تلاش (تیمور، بوداک، دیمیرجی، آلکان آکداگ، گونگور و اوزدل[12]، ۲۰۱۶)،

1. Wacha
2. Dysfunctional attitudes
3. Cheie & Miu
4. Chimtorz
5. Lee
6. Wesbecher
7. Hong
8. Tsai
9. Tan
10. Ertekin, Yildirim & Sayin
11. Otani, Suzuki, Matsumoto & Enokido
12. Taymur, Budak, Demirci, Alkan Akdag, Güngör & Özdel

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

عدم مطلق‌گرایی و انعطاف‌پذیری شناختی (سوفلا و دیوید[1]، ۲۰۱۶)، راهبردهای مقابله‌ای انطباقی و رشد اجتماعی (که‌یه و میو، ۲۰۱۶) و اکتشاف و یادگیری آزادانه و مستقل (لیندبرگ، فرانسون، فورشلوند، اسپرینگر و گرانکوئیست[2]، ۲۰۱۶) رابطه منفی دارد.

بررسی پژوهشها حاکی از آن است که نقش مادر در رشد شناختی فرزندان لزوماً مستقیم نیست و تأثیرات مادر می‌تواند به صورت غیرمستقیم و از طریق سازه‌های گوناگون شناختی، هیجانی یا اجتماعی باشد (بویچیک، هاورباک و پائه[3]، ۲۰۱۸). بر این اساس، پژوهشگر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که شرم مادر چه روابط مستقیم یا غیر مستقیمی (نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد در فرزند) با هوش موفق و ابعاد آن در فرزند دارد؟ در شکل شماره ۱، مسیرهای فرضی روابط متغیر پیش‌بین و میانجی با هوش موفق و ابعاد آن در فرزند، آورده شده است.

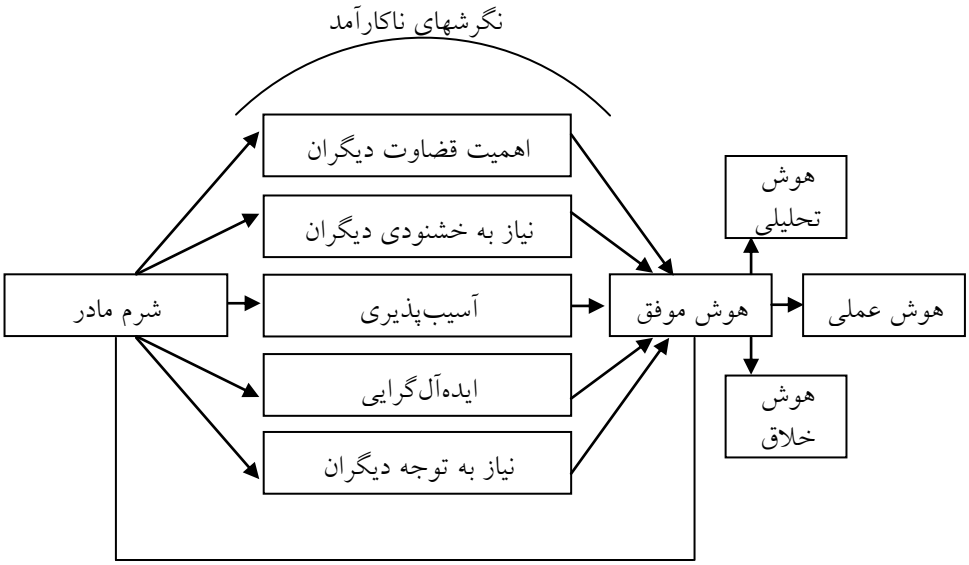

شکل ۱: مسیرهای فرضی روابط میان متغیرهای پیش‌بین با هوش موفق فرزندان

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در حیطه طرحهای توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل همهٔ زنان سرپرست خانوار دارای فرزند نوجوان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) در اسلامشهر است (۵۸۰ مادر). ابتدا از میان مادران جامعه مورد نظر، ۳۰۰ نفر به‌طور تصادفی

1. Soflau & David
2. Lindberg, Fransson, Forslund, Springer & Granqvist
3. Bojczyk, Haverback & Pae

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

انتخاب شدند. سپس پرسشنامه شرم در اختیار آنها گذاشته شد. پس از توصیف شفاهی و مکتوب شرم و پیامدهای آن برای مادران و طرح سه سؤالی که در بخش ابزار پژوهش شرح آنها می‌آید، مادرانی انتخاب شدند که به هر سه سؤال در زمینهٔ شرم، پاسخهای غالباً و همیشه، زیاد و شدید، تأثیر زیاد و تأثیر شدید داده‌اند (۲۵۰ مادر). حجم نمونه بر اساس جدول مورگان تعیین شده است. به این مادران مقیاس اصلی شرم و به فرزندان نوجوان این مادران، پرسشنامه‌های نگرشهای ناکارآمد و هوش موفق داده شد. در نهایت با توجه به افت آزمودنی، تحلیل داده‌ها روی ۲۴۵ مادر و فرزندان نوجوان آنها صورت گرفت.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از سه پرسشنامه شرم بزرگسالان، نگرشهای ناکارآمد و هوش موفق استفاده شده است.

۱. مقیاس شرم بزرگسالان: این مقیاس را ریزوی[1] (۲۰۰۹، به نقل از اعتماد و همکاران، ۱۳۹۲) برای سنجش گرایش فردی به شرم در بزرگسالان در قالب ۵۳ سؤال و براساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۴-۰)، طراحی و روایی همگرای آن را با مقیاس توسکا[2] ۰/۵۰ محاسبه کرده است. پایایی آن بر اساس بازآزمایی نیز (۰/۸۵) مطلوب بوده است. در این مقیاس، با توجه به عدم تجربه شرم در همه افراد، در ابتدای مقیاس، توصیفی از شرم و پیامدهای منفی آن ارائه و بر این اساس سه سؤال مطرح شده است: تجربه شرم هر چند وقت یک‌بار است؟ شدت یا عمق شرم تجربه‌شده تا چه حد است؟ و شرم تا چه اندازه تأثیر منفی بر کیفیت زندگی فرد می‌گذارد؟ براساس پاسخگویی غالباً و همیشه برای سؤال اول، زیاد و شدید برای سؤال دوم و تأثیر زیاد و تأثیر شدید برای سؤال سوم، افرادی که شرم را تجربه می‌کنند، مشخص می‌شوند.

در ایران اعتماد، جوکار، راهپیما و فخاری (۱۳۹۲)، پس از برگردان سؤالها به فارسی و سپس به انگلیسی و اصلاح موارد عدم انطباق و بررسی اساتید روانشناسی، روایی سازه را بر اساس تحلیل عاملی، با دو عامل بی‌کفایتی خود و خطای اخلاقی، مشخص کرده اند. ضریب KMO به‌دست آمده، ۰/۸۳ بود و از مجموع دو عامل، نمره کلی شرم حاصل می‌شود. پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ، برای مؤلفه‌های خطای اخلاقی، بی‌کفایتی خود و نمره کل شرم به ترتیب، ۰/۸۵، ۰/۸۷ و ۰/۹۰ محاسبه شده است. روایی همگرای مقیاس شرم با پرسشنامه شرم توسکا، مطلوب

1. Rizvi
2. TOSCA

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

بود. روایی واگرای پرسشنامه با پرسشنامه شادکامی، منفی و معنادار بود. همچنین همبستگی میان مؤلفه‌های مقیاس شرم میان ۰/۳۱ تا ۰/۵۱ و معنادار بود. در حالی‌که همبستگی مؤلفه‌ها با نمره کل مقیاس در محدوده ۰/۴۶ تا ۰/۹۱ بود (اعتماد و همکاران، ۱۳۹۲). پایایی این مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر، ۰/۹۳ محاسبه شده است.

۲. پرسشنامه نگرشهای ناکارآمد: این پرسشنامه را وایزمن[1] و بک[2] (۱۹۷۸؛ به نقل از سهرابی، ۱۳۹۴) بر اساس رویکرد شناختی و در قالب ۲۱ سؤال با دامنه پاسخگویی لیکرت ۷ درجه‌ای (۷-۱) طراحی و ضریب همسانی درونی را به شیوه آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ گزارش کرده اند. در ایران، سهرابی (۱۳۹۴) آن را به فارسی و سپس به انگلیسی برگردانده و روایی صوری و محتوایی آن را اساتید روانشناسی بررسی کرده اند. در پژوهش سهرابی پنج نگرش ناکارآمد (اهمیت قضاوت دیگران، نیاز به خشنودی دیگران، آسیب‌پذیری، ایده‌آل‌گرایی، نیاز به توجه دیگران) با بهره‌گیری از تحلیل عاملی آشکار شده است. ضریب آلفا برای این عوامل از دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ محاسبه شده و برای نمره کل، ۰/۸۰ به دست آمده است. همبستگی نمره کل مقیاس با افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب برابر با ۰/۶۳، ۰/۳۸ و ۰/۳۳ بوده است (سهرابی، ۱۳۹۴). پایایی کل این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر، ۰/۸۳ و برای هریک از نگرشهای ناکارآمد به ترتیبی که در بالا آمده ۰/۶۳ ، ۰/۴۰ ، ۰/۶۱ ، ۰/۵۸ و ۰/۵۴ محاسبه شده است.

۳. پرسشنامه هوش موفق: این پرسشنامه را گریگورنکو و استرنبرگ (۲۰۰۲؛ به نقل از نگهبان سلامی، فرزاد و صرامی، ۱۳۹۳) با ۳۶ سؤال و دامنه پاسخگویی لیکرت ۵ درجه‌ای (۵-۱) و سه بعد هوش تحلیلی، هوش خلاق و هوش عملی، طراحی و پایایی زیرمقیاسها را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۸ و ۰/۷۱ و پایایی کل را ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. در ایران، نگهبان سلامی، فرزاد و صرامی (۱۳۹۳) سؤالها را به فارسی و سپس به انگلیسی برگردانده و روایی صوری و محتوایی آن را اساتید روانشناسی بررسی کرده اند؛ سپس با تحلیل عامل اکتشافی روی دانش‌آموزان مقطع متوسطه مدارس عادی، همان سه بعد را تأئید کرده اند. تحلیل عامل تأئیدی پرسشنامه نیز، حاکی از شاخصهای مناسب نیکویی برازش پرسشنامه بود که عبارت اند از (df=۵ و X۲=۱۲/۰۴ و X۲/df=۲/۴ و GFI=۰/۹۱ و AGFA=۰/۹۲ و RMSEA=٪۵۴). پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ برای هوش تحلیلی، ۰/۷۴، هوش خلاق، ۰/۷۰، هوش عملی، ۰/۸۱ و کل (هوش موفق)، ۰/۷۶ محاسبه شده است (نگهبان‌سلامی و همکاران، ۱۳۹۳). پایایی کل این پرسشنامه بر اساس

1. Weissman
2. Beck

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر، ۰/۸۸ و برای هوش خلاق، ۰/۷۴، عملی، ۰/۷۳ و تحلیلی، ۰/۷۹ محاسبه شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی به میانگین و انحراف استاندارد اشاره شده و در بخش آمار استنباطی از تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار شرم، نگرشهای ناکارآمد و هوش موفق

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
شرم مادر	۳/۶۷	۰/۶۸
اهمیت قضاوت دیگران	۴/۶۳	۰/۷۴
نیاز به خشنودی دیگران	۴/۴۰	۱
آسیب‌پذیری	۴/۳۴	۱
ایده‌آل‌گرایی	۴/۲۵	۱/۳
نیاز به توجه دیگران	۴/۳۸	۱/۳
هوش تحلیلی	۳/۴۵	۰/۶۱
هوش خلاق	۳/۴۰	۰/۵۶
هوش عملی	۳/۴۸	۰/۵۷
هوش موفق	۳/۴۲	۰/۵۱

بر اساس اطلاعات توصیفی جدول شماره ۱، نگرش ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران (۴/۶۳) در مقایسه با سایر نگرشها از پراکندگی کمتری برخوردار و دارای بالاترین میانگین است. دربارهٔ هوش موفق، میانگین هوش عملی (۳/۴۸) بالاتر از سایر ابعاد هوش موفق و نمره کلی هوش موفق است. شرم نیز دارای میانگین ۳/۶۲ است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش (n=۲۴۵)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. هوش تحلیلی	۱									
۲. هوش خلاق	۰/۶۷۸**	۱								
۳. هوش عملی	۰/۶۲۳**	۰/۶۴۲**	۱							
۴. هوش موفق	۰/۸۸۵**	۰/۸۶۵**	۰/۸۳۴**	۱						
۵. احساس شرم	-۰/۱۲۷**	-۰/۱۳۹*	-۰/۲۱۵**	-۰/۱۷۶**	۱					
۶. اهمیت قضاوت دیگران	-۰/۲۹۰**	-۰/۳۱۷**	-۰/۲۶۴**	-۰/۳۴۳**	۰/۲۸۱**	۱				
۷. نیاز به خشنودی دیگران	-۰/۲۳۶**	-۰/۲۰۰**	-۰/۲۰۲**	-۰/۲۳۰**	۰/۳۱۸**	۰/۳۳۹**	۱			
۸. آسیب‌پذیری	-۰/۳۰۷**	-۰/۲۴۴**	-۰/۳۰۵**	-۰/۳۱۳**	۰/۲۷۹**	۰/۲۶۱**	۰/۴۹۰**	۱		
۹. ایده‌آل‌گرایی	-۰/۲۷۰**	-۰/۱۹۱**	-۰/۲۲۰**	-۰/۲۵۶**	۰/۲۵۳**	۰/۲۵۷**	۰/۳۹۹*	۰/۵۵۴**	۱	
۱۰. نیاز به توجه دیگران	-۰/۱۹۴**	-۰/۱۸۱**	-۰/۱۶۳*	-۰/۱۸۷**	۰/۲۲۷**	۰/۲۲۴**	۰/۲۳۹**	۰/۳۹۹**	۰/۴۱۴**	۱

P=* (یک دامنه) ۰/۰۵

P=** (یک دامنه) ۰/۰۱

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که هوش موفق با همه نگرشهای ناکارآمد رابطه منفی و معنادار دارد (۰/۰۱) و بالاترین همبستگی مربوط به نگرش اهمیت قضاوت دیگران است. مؤلفه‌های هوش موفق یعنی خلاق، تحلیلی و عملی با همه نگرشهای ناکارآمد رابطه منفی و معنادار دارند. بالاترین رابطه هوش تحلیلی و هوش عملی با آسیب‌پذیری است و هوش خلاق با نگرش اهمیت قضاوت دیگران دارای بیشترین همبستگی است. همچنین هوش موفق و ابعاد آن با شرم مادر رابطه منفی دارند. پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها، برای پاسخگویی به سؤالهای پژوهش و بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم شرم مادر بر هوش موفق فرزند و ابعاد آن، ابتدا جداول تحلیل رگرسیون (۳ و ۴) آورده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون رگرسیون به منظور بررسی رابطه شرم مادر و نگرشهای ناکارآمد فرزند با هوش تحلیلی، هوش خلاق، عملی و هوش موفق

ملاک	متغیرها پیش‌بین	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	خطای معیار	بتا	آماره آزمون	سطح معناداری
هوش تحلیلی	شرم مادر			۰/۰۱۸	۰/۰۲۵	۰/۳۸	۰/۷۱
	اهمیت قضاوت دیگران			۰/۰۴۵	-۰/۲۰۵	-۳/۱	۰/۰۰۱
	نیاز به خشنودی دیگران	۰/۳۹	۰/۱۵۲	۰/۰۹۸	-۰/۰۴۳	-۰/۵۹	۰/۵۵
	آسیب‌پذیری			۰/۰۸۵	-۰/۱۷۱	-۲/۲	۰/۰۳
	ایده‌آل‌گرایی			۰/۰۹۷	-۰/۰۹۷	-۱/۳	۰/۲
	نیاز به توجه دیگران			۰/۱۳	-۰/۰۳۵	-۰/۵۱	۰/۶
هوش خلاق	شرم مادر			۰/۰۱۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۱
	اهمیت قضاوت دیگران			۰/۰۳۸	-۰/۲۵۰	-۳/۸	۰/۰۱
	نیاز به خشنودی دیگران	۰/۳۵۷	۰/۱۲۸	۰/۰۸۴	-۰/۰۴۱	-۰/۵۶	۰/۵۸
	آسیب‌پذیری			۰/۰۷۲	-۰/۱۱۴	-۱/۴	۰/۱۵
	ایده‌آل‌گرایی			۰/۰۸۲	-۰/۰۳۴	-۰/۴۵	۰/۶۶
	نیاز به توجه دیگران			۰/۰۸۸	-۰/۰۴۳	-۰/۶۳	۰/۵۳
هوش عملی	شرم مادر			۰/۰۱۶	۰/۰۹۹	-۱/۵	۰/۱۳
	اهمیت قضاوت دیگران			۰/۰۳۹	-۰/۱۷۴	-۲/۶	۰/۰۱
	نیاز به خشنودی دیگران	۰/۳۷۳	۰/۱۳۹	۰/۰۸۵	-۰/۰۰۹	۰/۱۲	۰/۹۱
	آسیب‌پذیری			۰/۰۷۴	-۰/۲۱۶	-۲/۷	۰/۰۱
	ایده‌آل‌گرایی			۰/۰۸۴	-۰/۰۳۲	-۰/۴۲	۰/۷
	نیاز به توجه دیگران			۰/۰۸۹	-۰/۰۰۴	-۰/۰۶	۰/۹۶

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

ملاک	متغیرها پیش‌بین	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	خطای معیار	بتا	آماره آزمون	سطح معناداری
هوش موفق	شرم مادر				۰/۰۴۲	-۰/۰۲۶	۰/۷
	اهمیت قضاوت دیگران				۰/۱۰	-۰/۲۶۲	۰/۰۱
	نیاز به خشنودی دیگران	۰/۴۲۰	۰/۱۷۶		۰/۲۳	-۰/۰۱۰	۰/۸۹
	آسیب‌پذیری				۰/۲۰	-۰/۱۸۹	۰/۰۲
	ایده‌آل گرایی				۰/۲۲	-۰/۰۶۶	۰/۳۷
	نیاز به توجه دیگران				۰/۲۴	۰/۰۱۷	۰/۸

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری رابطه ای منفی و معنادار با هوش تحلیلی، هوش عملی و هوش موفق دارند. همچنین فقط نگرش ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران دارای رابطه منفی و معنادار با هوش خلاق است. شرم مادر نیز با هیچ یک از ابعاد هوش موفق، رابطه معنادار ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون رگرسیون به منظور بررسی رابطه شرم مادر با هر یک از نگرشهای ناکارآمد در فرزندان

پیش‌بین	متغیرها ملاک	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	خطای معیار	بتا	آماره آزمون	خطای معیار
شرم	اهمیت قضاوت دیگران	۰/۲۸۱	۰/۰۷۹	۰/۰۳	۰/۲۸۱	۴/۶	۰/۰۱
شرم	نیاز به خشنودی دیگران	۰/۳۱۸	۰/۱۰۱	۰/۰۱	۰/۳۱۸	۵/۲	۰/۰۱
شرم	آسیب‌پذیری	۰/۲۷۹	۰/۰۷۸	۰/۰۲	۰/۲۷۹	۴/۵	۰/۰۱
شرم	ایده‌آل‌گرایی	۰/۲۵۳	۰/۰۶۴	۰/۰۱	۰/۲۵۳	۴	۰/۰۱
شرم	نیاز به توجه دیگران	۰/۲۲۷	۰/۰۵۲	۰/۰۱۱	۰/۲۲۷	۳/۶	۰/۰۱

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که شرم مادر با نگرش ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران، نیاز به خشنودی دیگران، آسیب‌پذیری، ایده‌آل‌گرایی و نیاز به توجه دیگران، رابطه مثبت و معنادار دارد.

در این بخش بر اساس جداول رگرسیون ارائه شده به پاسخگویی به سؤالهای پژوهش پرداخته می‌شود. اثرهای مستقیم و غیرمستقیم شرم بر هوش موفق و ابعاد آن نیز در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

سؤال اول: آیا شرم مادر رابطه مستقیم یا غیر مستقیم (براساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد فرزند) با هوش موفق در فرزند دارد؟

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

با توجه به جداول رگرسیون ارائه شده و شکل شماره ۲، شرم مادر به‌طور مستقیم قادر به پیش‌بینی معنادار هوش موفق فرزندان نیست و با میانجیگری نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری می‌تواند هوش موفق را پیش‌بینی کند.

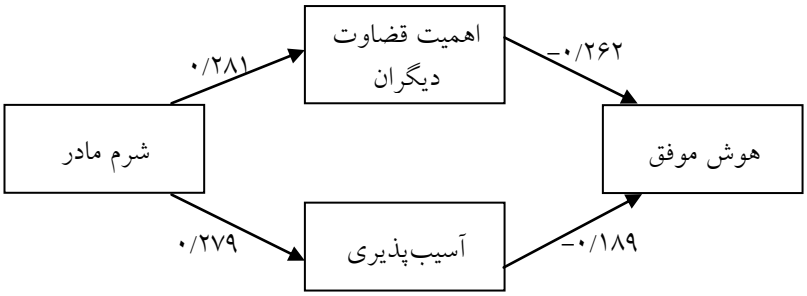

شکل ۲: مسیرهای تجربی روابط میان متغیرها

سؤال دوم: آیا شرم مادر رابطه مستقیم و یا غیر مستقیم (ب اساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد فرزند) با هوش تحلیلی در فرزند دارد؟

با توجه به جداول رگرسیون ارائه شده و شکل شماره ۳، شرم مادر به‌طور مستقیم قادر به پیش‌بینی معنادار هوش تحلیلی فرزندان نیست و با میانجیگری نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری می‌تواند هوش تحلیلی را پیش‌بینی کند.

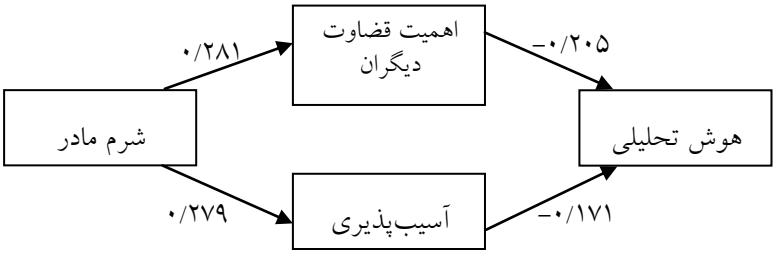

شکل ۳ : مسیرهای تجربی روابط میان متغیرها

سؤال سوم: آیا شرم مادر رابطه مستقیم یا غیر مستقیم (بر اساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد فرزند) با هوش خلاق در فرزند دارد؟

با توجه به جداول رگرسیون ارائه شده و شکل شماره ۴، شرم مادر به‌طور مستقیم قادر به پیش‌بینی معنادار هوش خلاق فرزندان نیست و با میانجیگری نگرش ناکارآمد «اهمیت قضاوت دیگران»، می‌تواند هوش خلاق را پیش‌بینی کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

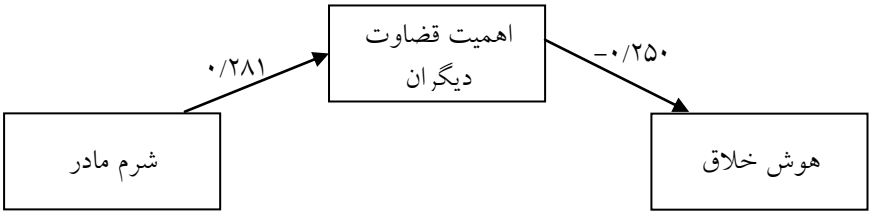

شکل ۴: مسیرهای تجربی روابط میان متغیرها

سؤال چهارم: آیا شرم مادر رابطه مستقیم یا غیر مستقیم (براساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد فرزند) با هوش عملی در فرزند دارد؟

با توجه به جداول رگرسیون ارائه شده و شکل شماره ۵، شرم مادر به‌طور مستقیم قادر به پیش‌بینی معنادار هوش عملی فرزندان نیست و با میانجیگری نگرشهای ناکارآمد «اهمیت قضاوت دیگران» و «آسیب‌پذیری» می‌تواند هوش عملی را پیش‌بینی کند.

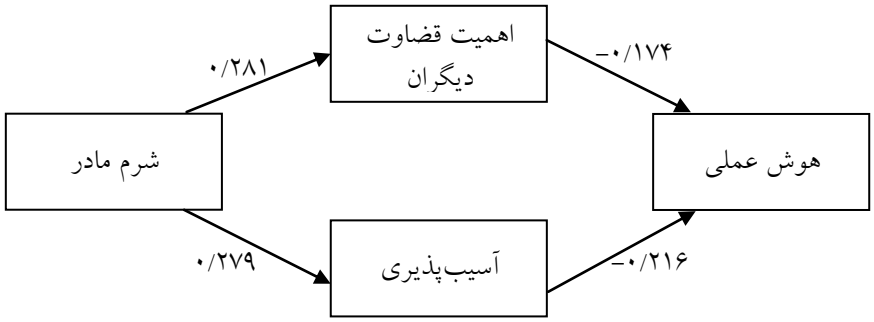

شکل ۵: مسیرهای تجربی روابط میان متغیرها

جدول ۵: خلاصه اثرهای مستقیم و غیر مستقیم شرم مادر با هوش موفق، هوش تحلیلی، هوش خلاق و هوش عملی در فرزند

متغیرها		انواع اثر		متغیر میانجی	کل
ملاک	پیش‌بین	مستقیم	غیر مستقیم		
هوش موفق	شرم مادر	—	-۰/۰۷۴	اهمیت قضاوت دیگران	-۰/۰۷۴
		—	-۰/۰۵۳	آسیب‌پذیری	-۰/۰۵۳
هوش تحلیلی	شرم مادر	—	-۰/۰۷۴	اهمیت قضاوت دیگران	-۰/۰۷۴
		—	-۰/۰۵۳	آسیب‌پذیری	-۰/۰۵۳
هوش خلاق	شرم مادر	—	-۰/۰۷۰	اهمیت قضاوت دیگران	-۰/۰۷۰
هوش عملی	شرم مادر	—	-۰/۰۴۹	اهمیت قضاوت دیگران	-۰/۰۴۹
		—	-۰/۰۶۰	آسیب‌پذیری	-۰/۰۶۰

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

بحث و نتیجه‌گیری

نوجوانان، صرفاً نیاز به آوردن نمره بالا یا حتی قبولی در رشته‌های خوب دانشگاهها ندارند، بلکه نیاز دارند تا در زندگی موفق باشند. هوش موفق در مقایسه با روشهای سنتی‌تر تعلیم و تربیت، می‌تواند بازده‌های شناختی و عاطفی یادگیری (آزادمرد، کجباف، فرامرزی و طالبی، ۱۳۹۲)، تفکر انتقادی، تحمل ابهام (بابایی، مکتبی، بهروزی و آتش افروز، ۱۳۹۵)، پردازش و اندوزش در سطح حافظه فعال (شوشتری، ملک‌پور، عابدی و قمرانی، ۱۳۹۵)، افسردگی و اضطراب کمتر و خودکارآمدی بالاتر (گریگورنکو و استرنبرگ، ۲۰۰۱) را به همراه داشته باشد. اما مهم‌ترین دستاورد هوش موفق، خردمندی است یعنی همان کاربرد درست و اخلاقی هوش عملی، تحلیلی و خلاق (استرنبرگ، ۲۰۱۸b). پس از بررسی روابط مستقیم و غیر مستقیم شرم مادر با هوش موفق و ابعاد آن در فرزند، بر اساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد در فرزند، در این بخش به بحث و نتیجه‌گیری پیرامون یافته‌های حاصل شده می‌پردازیم.

یافته‌ها دربارهٔ سؤال اول پژوهش مبنی بر رابطه مستقیم و غیر مستقیم شرم مادر (بر اساس نقش میانجی نگرشهای ناکارآمد در فرزند) با نمره کلی هوش موفق در فرزند، حاکی از آن است که شرم مادر سبب افزایش نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری در فرزند و همچنین کاهش هوش موفق در فرزند می‌شود. این یافته پژوهش می‌تواند با تحقیقات استکا، باسی، کاپرارا و دله‌فاوه[1] (۲۰۱۱) مبنی بر رابطه خودکارآمدی پایین مادر و فرزند و رابطه آن با کاهش خودمختاری، شایستگی و بهزیستی کمتر در فعالیتهای مبتنی بر یادگیری (در خانه، مدرسه و جامعه) و همچنین رابطه غیرمستقیم امنیت هیجانی مادر و عملکرد شناختی فرزند بر اساس نقش میانجی اعتماد به نفس در فرزند (واچا، ۲۰۱۰) و رابطه منفی نگرشهای ناکارآمد مربوط به پیشرفت خود و نگرشهای ناکارآمد مربوط به وابستگی به دیگران با خود جهت‌دهی (اتانی و همکاران ، ۲۰۱۶) همسو باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، شرم مادر و احساس ناکارآمدی او، «خودی» را در فرزند پرورش می‌دهد که ارزش دریافت حمایت و توجه را ندارد (منکه[2]، ۲۰۱۴). انعکاس توجه مثبت مشروط به فرزند در زمینهٔ پیشرفت و بهبود عملکرد او، عزت نفس غیرخوش‌بینانه‌ای را پرورش می‌دهد که در آن نوجوان میان تجربه احساس موفقیت و احساس ناکامی در نوسان خواهد بود (آسور و تال[3]، ۲۰۱۲). از نظر استرنبرگ، افراد دارای هوش موفق، کسانی هستند که با آگاهی از

1. Steca, Bassi, Caprara & Delle Fave
2. Menke
3. Assor & Tal

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

نقاط ضعف و قوت خود راههایی را برای بهره بردن از نقاط قوت خود و یا اصلاح نقاط ضعف خود می‌یابند (استرنبرگ، جاروین و گریگورنکو، ۲۰۱۱؛ ترجمه عابدی و شعرباف زاده، ۱۳۹۵). اما نوجوانان دارای نگرش ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری، تقویت نقاط قوت و اصلاح ضعف خود را غالباً بر پایه بازخوردهای دیگران قرار می‌دهند و در این شرایط پردازش موفق اطلاعات برای دستیابی به هوش موفق، ناکارآمد خواهد بود. فرهنگ نیز نقشی اساسی در این میان دارد. در فرهنگهای جمع‌گراتر مانند ایران، مادر در کنار نیازهای وابستگی و شایستگی، رفتارهای مستقلانه و خودمختاری را در فرزندش کمتر پرورش می‌دهد و رعایت استانداردهای دیگران و تلاش مصرانه برای عدم آسیب‌پذیری فردی در صورت عدم رعایت این استانداردها، منبع عملکرد شناختی فرد قرار می‌گیرد (البرزی، ۱۳۹۳).

تحلیل داده‌ها دربارۀ رابطه مستقیم و غیر مستقیم شرم مادر با هوش تحلیلی فرزند، نشان می‌دهد که شرم مادر سبب افزایش نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری در فرزند و همچنین کاهش هوش تحلیلی در فرزند می‌شود. نتیجه این بخش از پژوهش با تحقیقات چو و لین[1] (۲۰۱۰) مبنی بر رابطه فرایندهای خانوادگی مثبت و اعتماد فرزند به هوش خود، انگیزش درونی و باور به فزاینده بودن هوش و توانایی حل مسأله و همچنین رابطه شرم مادران با کاهش مقابله مسأله–مدار و توانایی حل مسأله در پژوهش لی و هانکین[2] (۲۰۰۹) و پژوهش جیانگ، لاینز و هوبنر[3] (۲۰۱۶) دربارۀ رابطه نگرشهای ناکارآمد با کاهش مهارتهای حل مسأله در نوجوانان، می‌تواند همسو باشد. در تبیین این یافته می‌توان به نتیجه نهایی هوش تحلیلی که حل مسأله و تفکر منطقی است (باچینسکا و تورنتون، ۲۰۱۷) اشاره کرد. فرزندانی که دارای مادران با احساس بی‌کفایتی هستند، توانایی حل مسأله ضعیف‌تری دارند. این افراد به دلیل داشتن قالب ذهنی ثابت در مقایسه با افراد دارای قالب ذهنی رشد، وابستگی بیشتری به منابع بیرونی و ارزیابیهای دیگران دارند (هس، کتز- بونین‌کونترو و رایتر- پالمون[4]، ۲۰۱۶). بنابراین مادران دارای شرم، فرزندان خود را نیز در مسیری قرار می‌دهند که علاوه بر حساسیت بیش از حد به انتقاد، طرد و سرزنش (دائمی و جان بزرگی، ۱۳۹۲) از توانایی پایین حل مسأله سازنده به‌منزلۀ یکی از ملزومات ضروری هوش تحلیلی، برخوردارند.

1. Cho & Lin
2. Hankin
3. Jiang, Lyons & Huebner
4. Hass, Katz- Buonincontro & Reiter-Palmon

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

تحلیل سؤال سوم پژوهش نیز، رابطه غیر مستقیم و منفی شرم مادر را به سبب نگرش ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران با هوش خلاق در فرزند، نشان داد. نتیجه این یافته می‌تواند با پژوهش البرزی (۱۳۹۳) مبنی بر رابطه ادراک منفی فرزند از مادر خود به واسطه باورهای کنترلی، با خلاقیت و رابطه عاطفه مثبت مادر با انعطاف‌پذیری شناختی (وبستر نلسون و سیم[1]، ۲۰۱۴) و خلاقیت فرزند (فلدمن، بمبرگر و کانات ـ میمن[2]، ۲۰۱۳) همسو باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، والدین در صورتی می‌توانند خلاقیت را در فرزند خود پرورش دهند که رفتارهای خلاقانه و عدم انطباق افراطی با دیگران و تفکر مستقل را تقویت کنند (چان[3]، ۲۰۰۵). مادر دارای شرم نیز، با برخورد اجتنابی و منفعلانه با افراد و موقعیتها، عدم پذیرش تواناییها (فریرا، مندس، مارتا سیمویس[4]، ۲۰۱۷) و عدم گشوده بودن به تجربه را در فرزند خود پرورش می‌دهد. در نتیجه، نوجوان او غالباً در پی موقعیتها و افرادی است که اضطراب طرد شدن را به همراه نداشته باشند (اتانی و همکاران ، ۲۰۱۶) و این در حالی است که گشوده بودن به تجربه رابطه ای مستقیم با خلاقیت فرد دارد (کلانتر قریشی، عین‌الله زادگان و درتاج، ۱۳۹۰). در واقع رفتارهای بازدارنده تفکر خلاق و اطاعت و تکریم افراطی دیگران، انطباق افراطی با گروه را نیز در فرزند تشویق می‌کند. این در حالی است که پرورش هوش خلاق، عدم همرنگی زیاد با دیگران، خودابرازی، ریسک‌پذیری و عدم ترس از اشتباه کردن، جسارت و خودباوری و در نهایت داشتن یک نگرش خلاقانه به زندگی را می‌طلبد (استرنبرگ،b۲۰۱۸).

آخرین یافته پژوهش رابطه غیرمستقیم و منفی شرم مادر با میانجیگری نگرشهای ناکارآمد اهمیت قضاوت دیگران و آسیب‌پذیری با هوش عملی را نشان می‌دهد. این یافته با پژوهشهای ون‌در گیسن و بوگلس (۲۰۱۷) مبنی بر تأثیر رابطه هیجانی سالم و امن مادر ـ فرزند با عملکرد سالم اجتماعی و هیجانی فرزند و پژوهش پاشیاک و منا[5] (۲۰۱۵) در زمینه رابطه عاطفه مثبت مادر در تعامل با فرزند با سازگاری، خودکنترلی و جامعه‌پذیری فرزند بر اساس نقش میانجی نگرشهای کارآمد همسوست. همچنین، پژوهشها حاکی از رابطه نگرشهای ناکارآمد با رشد اجتماعی کمتر (که‌یه و میو، ۲۰۱۶) و سازگاری اجتماعی کمتر (هامامجی و اسن –کوبان[6]، ۲۰۱۰) است. در تبیین آخرین یافته پژوهش می‌توان گفت، در هوش عملی، تجربه کردن بسیار اهمیت دارد. در واقع فرد

1. Webster-Nelson & Sim
2. Feldman, Bamberger & Kanat-Maymon
3. Chan
4. Ferreira, Mendes & Marta-Simões
5. Pasiak & Menna
6. Hamamci & Esen-Coban

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

باید بداند که چگونه خود و دیگران را مدیریت کند (استرنبرگ،a۲۰۱۸). از طرفی توانایی تأثیرگذاری بر دیگران و هوش اجتماعی یکی از ملزومات هوش عملی است (باچینسکا و تورنتون، ۲۰۱۷). روابط متقابل و امن مادرـ فرزند می‌تواند با پرورش خود–تنظیمی در فرزند، پختگی و بلوغ اجتماعی او را به همراه داشته باشد (فلدمن و همکاران، ۲۰۱۳). مادران فاقد شرم، به سبب داشتن سبک والدگری جسورانه، به رشد و پختگی و کسب تجربه در فرزندشان که لازمه هوش عملی است، بیشتر کمک می‌کنند (پاریزت ـ اسپارکز و همکاران، ۲۰۱۵). رفتار اجتنابی مادر شرمگین، منبع کنترل بیرونی و عدم خودکارآمدی شناختی را در فرزند شکل می‌دهد. در واقع اگر فکر کردن در مورد تفکرات برای فرزند، خطرناک تشخیص داده شود، او دیگران را ملاک و منبع ارزیابی موفقیت، پیشرفت یا شادی خود قرار می‌دهد. هر زمان هم احساس کند که ممکن است این منبع تفکر را از دست بدهد، ترس از آسیب دیدن، سبب تمرکز بیشتر او بر جنبه‌های منفی خود می‌شود (لونفلت، مارین، سیلورمن، راینهولت ـ دان و اسبیورن[1]، ۲۰۱۷). در این شرایط او نمی‌تواند به خوبی با مشکلات زندگی روزمره مقابله کند یا تحلیل درستی از انگیزه‌ها و شناختهای خود و دیگران در بافت اجتماعی داشته باشد (مالتیز، آلزی و آلو[2]، ۲۰۱۲). این در حالی است که توانایی حل مشکلات روزمره و انطباق مناسب با افراد، محیط و تعارضها از ویژگیهای هوش عملی است.

به طور کلی می‌توان گفت که مادران نقشی اساسی در بهبود ادراک فرزندان از تواناییهای خود در زمینه‌های گوناگون شناختی، اجتماعی و هیجانی دارند. مادر خودکارآمد و فاقد شرم مرضی، نقشی مؤثر در افزایش انگیزه فرزند برای درگیر شدن در فعالیتهای شناختی گوناگون دارد. همچنین در منابع پژوهشی جدیدتر و بر اساس طرحهای فراتحلیلی، نقش مادر در رشد شناختی فرزند غالباً به صورت غیرمستقیم در نظر گرفته شده است (بویچیک و همکاران، ۲۰۱۸). با وجود این در این پژوهش یکی از دلایل احتمالی عدم رابطه مستقیم شرم مادر با هوش موفق و ابعاد آن در فرزند، که با تحقیقاتی مانند چا (۲۰۱۸)، دانکل و منیه (۲۰۱۸) و ون‌در واردن و همکاران (۲۰۱۶) ناهمسو است، می‌تواند انتخاب مادران از یک جامعه بسیار همگن یا غربال کردن آنها بر اساس تجربه شرم باشد. از محدودیتهای این پژوهش می‌توان به عدم امکان انتخاب کاملاً تصادفی نمونه پژوهش یا کنترل همه متغیرهای مزاحم اشاره کرد. از طرفی هم می‌توان با طراحی الگوهای مجزا روی نوجوانان دختر و پسر، مادران و پدران و موقعیتهای اقتصادی ـ اجتماعی بالا و پایین و مقایسه نتایج، به یافته‌هایی دقیق‌تر دست یافت. به‌عنوان پیشنهاد کاربردی پژوهش حاضر می‌توان به امکان

1. Lonfeldt, Marin, Silverman, Reinholdt-Dunne & Esbjorn
2. Maltese, Alesi & Alu

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

توانمندسازی روانی و اقتصادی زنان سرپرست خانواده به ویژه در افراد تحت پوشش مؤسسه‌های حمایتی اشاره کرد. در این صورت یک مادر کارآمد و نه شرمگین، نقشی بسیار مهم در تقویت اعتماد به نفس و انگیزش شناختی فرزند خواهد داشت که می‌تواند تأثیر موقعیت اقتصادی- اجتماعی پایین را در عملکرد شناختی فرزندش کاهش دهد. همچنین آموزش و تقویت هوش موفق در نوجوانان به‌منزلهٔ مؤلفه‌ای که قابلیت پرورش دارد، موجب می‌شود تا آنها بتوانند فاصله خواسته‌ها و واقعیتها و امکانات موجود را کاهش دهند و خردمندی را درحکم مهم‌ترین دستاورد هوش موفق که به تجربه موفق‌آمیزتر بحرانهای زندگی، نظم‌جویی هیجانی، تأمل و مرور همراه با آرامش گذشته، شوخ طبعی و گشودگی به تجربه اشاره دارد، تجربه کنند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

منابع

آرمین، مریم؛ سهرابی، نادره و کاظمی، سلطانعلی. (۱۳۹۰). رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت نفس و خودکارآمدی فرزندان. *روشها و مدل‌های روانشناختی*، ۲ (۲)، ۱۵-۲۸.

آزادمرد، شهنام؛ کجباف، محمدباقر؛ فرامرزی، سالار و طالبی، هوشنگ. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر هوش موفق و روش آموزش مرسوم بر بازده‌های شناختی و عاطفی یادگیری دانشجو معلمان.دو *فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۲ (۶)، ۷۹-۹۸.

استرنبرگ، رابرت. جی؛ جاروین، لیندا و گریگورنکو، النا. (۱۳۹۵). *کاوشی در تیزهوشی: رویکردهای نوین در شناسایی و آموزش تیزهوشان*، ترجمه احمد عابدی و عادله شعرباف‌زاده. تهران: کاوشیار. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۱۱).

اعتماد، جلیل؛ جوکار، بهرام؛ راهپیما، سمیرا و فخاری، نرگس. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس شرم در دانشجویان دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴ (۱۳)، ۴۵-۶۸.

اعتماد، جلیل؛ جوکار، بهرام و راهپیما، سمیرا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی شادکامی بر مبنای احساس شرم و گناه: بررسی نقش تعدیل‌گری جنسیت. *مطالعات روانشناختی*، ۱۱ (۲)، ۶۷- ۸۵.

البرزی، محبوبه. (۱۳۹۳). رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با واسطه‌گری باورهای انگیزشی در روابط دوستانه. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۶ (۲)، ۶۱-۸۱.

بابایی، علی؛ مکتبی، غلامحسین؛ بهروزی، ناصر و آتش افروز، عسکر. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش هوش موفق بر تفکر انتقادی و تحمل ابهام دانشجویان. *مجله اصول بهداشت روانی، ویژه‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱۸، ۳۸۰-۳۸۷.

دائمی، فاطمه و جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۲). بررسی رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران و سبک‌های ناسازگارانه والدینی آنها. *مجله علوم رفتاری*، ۷ (۳)، ۲۲۱-۲۲۸.

زینی‌وند، زهرا؛ امینی‌جاوید، لیلا و مرادی، آسیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ترس از موفقیت، احساس شرم و گناه با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان دختر. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۳ (۱)، ۱۶۱-۱۸۰.

سهرابی، نادره. (۱۳۹۴). شاخص‌های روانسنجی مقیاس نارسایی کنشی نگرش (نگرشهای ناکارآمد). *روشها و مدل‌های روانشناختی*،۶ (۱۹)، ۱-۱۲.

شوشتری، مژگان؛ ملک‌پور، مختار؛ عابدی، احمد و قمرانی، امیر. (۱۳۹۵). *بررسی اثربخشی برنامه هوش موفق استرنبرگ بر حافظه فعال و کارکردهای اجرایی کودکان تیزهوش. فصلنامه کودکان استثنایی*، ۱۶(۳)، ۵-۱۴.

فرشاد، محمدرضا؛ سلیمی‌بجستانی، حسین؛ اسماعیلی، کوروش و حبیبی، یوسف. (۱۳۹۴). اثرات مستقیم و غیرمستقیم کیفیت رابطه والدین (پدر و مادر)، انگیزه پیشرفت و انگیزه تحصیلی بر عزت نفس دانش‌آموزان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱۱ (۳۶)، ۱-۱۶.

کلانتر قریشی، منیر؛ عین الله زادگان، رقیه و درتاج، فریبرز. (۱۳۹۰). رابطه صفات شخصیتی و خلاقیت در نوجوانان. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱ (۳)، ۱۳۱-۱۴۴.

محمدی، زهره؛ جوکار، بهرام و حسین‌چاری، مسعود. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رفتارهای خودشکن توسط جهت‌گیری هدف: نقش واسطه‌گری احساسات شرم و گناه. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱ (۴۱)، ۸۳-۱۰۲.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

ملک‌پور، مختار. (۱۳۸۲). بررسی باورهای والدین در مورد فرزندپروری و مفهوم آنان از هوش کودکان با توجه به وضعیت تحصیلی والدین. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*،۲۰ (۱)، ۲-۱۵.

نگهبان سلامی، محمود؛ فرزاد، ولی اله و صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه هوش موفق. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۵ (۱۵)، ۱-۱۴.

Assor, A., & Tal, K. (2012). When parents' affection depends on child's achievement: Parental conditional positive regard, self–aggrandizement, shame and coping in adolescents. *Journal of Adolescence*, *35*(2), 249-260.

Baczynska, A., & Thornton, G. C. (2017). Relationships of analytical, practical, and emotional intelligence with behavioral dimensions of performance of top managers. *International Journal of Selection and Assessment*, *25*(2), 171-182.

Bojczyk, K. E., Haverback, H. R., & Pae, H. K. (2018). Investigative maternal self-efficacy and home learning environment of families enrolled in Head Start. *Early Childhood Education Journal*, *46*(2), 169-178.

Cha, K. (2018). Raising a difficult child: Interplay among children's negative emotionality traits, maternal parenting and children's cognitive development. *Early Education and Development*, *29*(8), 1095-1114.

Chan, D. W. (2005). Family environment and talent development of Chinese gifted students in Hong Kong. *Gifted Child Quarterly*, *49*(3), 211-221.

Cheie, L., & Miu, A. C. (2016). Functional and dysfunctional beliefs in relation to adolescent health- related quality of life. *Personality and Individual Differences*, *97*, 173-177.

Chimtorz, A., Kunzler, A., Helmreich, I., Tüscher, O., Kalisch, R., Kubiak, T., … Lieb, K. (2017). Intervention studies to foster resilience-A systematic review and proposal for a resilience framework in future intervention studies. *Clinical Psychology Review*, *59*, 78-100.

Cho, S., & Lin, C. Y. (2010). Influence of family processes, motivation, and beliefs about intelligence on creative problem solving of scientifically talented individuals. *Roeper Review*, *33*(1), 46-58.

Duff, C. T. (2014). *Self-conscious emotion and existential concerns: An examination of the effect of shame on death-related thoughts.* Doctoral Dissertation in Counseling Psychology, University of Alberta.

Dunkel, C. S., & Menie, M. A. W. (2018). Maternal sensitivity and performance and verbal intelligence in late childhood and adolescence. *Journal of Biosocial Science*, *51*(1), 48-58.

Ertekin, P. S., Yildirim, G., & Sayin, N. (2018). Investigating the psychological resilience, self-confidence and problem-solving skills of midwife candidates. *Nurse Education Today*, *17*(64), 144-149.

Feldman, R., Bamberger, E., & Kanat-Maymon, Y. (2013). Parent-specific reciprocity from infancy to adolescence shapes children's social competence and dialogical skills. *Attachment & Human Development*, *15*(4), 407-423.

Ferreira, C., Mendes, A. L., & Marta-Simões, J. (2017). The role of maladaptive psychological strategies in the association between shame and psychological quality of life. *25th European Congress of Psychiatry/ European Psychiatry*, 41S, S69-S105.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

Grigorenko, E. L., & Sternberg, R. J. (2001). Analytical, creative and practical intelligence as predictors of self-reported adaptive functioning: A case study in Russia. *Intelligence*, *29*(1), 57-73.

Hamamci, Z., & Esen-Coban, A. (2010). Dysfunctional relationship beliefs of late adolescence in adjustment to university. *Procedia-Social and Behavioral Science*, *2*(2), 300-304.

Hass, R. W., Katz-Buonincontro, J., & Reiter-Palmon, R. (2016). Disentangling creative mindsets from creative self-efficacy and creative identity: Do people hold fixed and growth theories of creativity? *Psychology of Aesthetics, Creativity and the Arts*, *10*(4), 436-446.

Hong, R. Y., Lee, S. S. M., Tsai, F. F., & Tan, S. H. (2017). Developmental trajectories and origins of a core cognitive vulnerability to internalizing symptoms in middle childhood. *Clinical Psychological Science*, *5*(2), 299-315.

Jiang, X., Lyons, M. D., & Huebner, E. S. (2016). An examination of the reciprocal relations between life satisfaction and social problem solving in early adolescents. *Journal of Adolescents, 53,* 141-151.

Lee, A., & Hankin, B. L. (2009). Insecure attachment, dysfunctional attitudes, and low self-esteem predicting prospective symptoms of depression and anxiety during adolescence. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, *38*(2), 219-231.

Lee, J. Y., Wesbecher, K. Lee, M., & Lee, J. (2015). The mediation effects of dysfunctional beliefs and emotional regulation on children's perceived parental conflict and internalizing and externalizing problems. *School Psychology International*, *36*(5), 447-466.

Lindberg, L., Fransson, M., Forslund, T., Springer, L., & Granqvist, P. (2016). Maternal sensitivity in mothers with mild intellectual disabilities is related to experiences of maltreatment and predictive of child attachment: A matched-comparison study. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, *30*(3), 45-55.

Liss, M., Schiffrin, H, H., & Rizzo, K. M. (2013). Maternal guilt and shame: The role of self-discrepancy and fear of negative evaluation. *Journal of Child and Family Studies*, *22*(8), 1112-1119.

Lonfeldt, N. N., Marin, C. E., Silverman, W. K., Reinholdt-Dunne, M. L., & Esbjorn, B. H. (2017). The role of metacognitions in the association between children's perceptions of maternal control and anxiety. *Journal of Child and Family Studies*, *26*(5), 1398-1408.

Maltese, A., Alesi, M., & Alu, A. G. M. (2012). Self-esteem, defensive strategies and social intelligence in the adolescence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *69*, 2054-2060.

Mandelman, S.D., Barbot, B., & Grigorenko, E. L. (2015). Predicting academic performance and trajectories from a measure of successful intelligence. *Learning and Individual Differences*, *51*, 387-393.

Menke, R. A. (2014). *Associations between maternal maltreatment-specific shame, maternal-infant interactions and infant emotion regulation.* Doctoral dissertation, Wayne State University, Detroit, Michigan.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

Mintz, G. (2013). *The influences of parental behaviors and individuation on self-conscious emotions of adolescents and emerging adults.* Doctoral dissertation, Pace University, New York.

Moilanen, K. L., & Rambo-Hernandez, K. E. (2015). Effects of maternal parenting and mother-child relationship quality on short-term longitudinal change in self-regulation in early adolescence. *Journal of Early Adolescence, 37*(5), 618-641.

Mouton, B., & Roskam, I. (2015). Confident mothers, easier children: A quasi-experimental manipulation of mothers' self-efficacy. *Journal of Child and Family Studies*, *24*(8), 2485-2495.

Otani, K., Suzuki, A., Matsumoto, Y., & Enokido, M. (2016). Link of dysfunctional attitudes with the negative self-model. *Annals of General Psychiatry*, *15*(1), 11-15.

Parisette-Sparks, A., Bufferd, S. J., & Klein, D. N. (2015). Parental predictors of children's shame and guilt at age 6 in a multimethod, longitudinal study. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, *46*(5), 721-731.

Pasiak, C., & Menna, R. (2015). Mother-child synchrony: Implications for young children's aggression and social competence. *Journal of Child and Family Studies*, *24*(10), 3079-3092.

Patock-Peckham, J. A., Canning, J. R., & Leeman, R. F. (2018). Shame is bad and guilt is good: An examination of the impaired control over drinking pathway to alcohol use and related problems. *Personality and Individual Differences*, *121*, 62-66.

Peña, R. M. (2016). *The relationship between parental stress and shame coping styles.* Doctoral dissertation, Alliant International University, Sacramento.

Porter, A. C., Zelkowitz, R. L., & Cole, D. A. (2018). The unique associations of self-criticism and shame-proneness to symptoms of disordered eating and depression. *Eating Behaviors, 29*, 64-67.

Shaughnessy, M. J. (2018). Integrative literature review on shame. *Nursing Science Quarterly*, *31*(1), 86-94.

Soflau, R., & David, D. O. (2016). A meta-analytical approach of the relationships between the irrationality of beliefs and the functionality of automatic thoughts. *Cognitive Therapy and Research*, *41*, 178-192.

Steca, P. Bassi, M., Caprara, G. V., & Delle Fave, A. (2011). Parent's self-efficacy beliefs and their children's psychosocial adaption during adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, *40*(3), 320-331.

Sternberg, R. J. (2003). A broad view of intelligence: The theory of successful intelligence. *Counseling Psychology Journal: Practice and Research*, *55*(3), 139-154.

_____ (2018a). 21 ideas: A 42-year search to understand the nature of giftedness. *Roeper Review, 40*(1), 7-20.

_____ (2018b). Speculations on the role of successful intelligence in solving contemporary world problems. *Journal of Intelligence, 6*(4), 2-10.

Taymur, L., Budak, E., Demirci, H., Alkan Akdag, H., Güngör, B. B., & Özdel, K. (2016). A study of the relationship between internet addiction, psychopathology and dysfunctional belief. *Computers in Human Behavior*, *61*, 532-536.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]

Van der Giessen, D. & Bögels, S. M. (2017). Father-child and mother-child interactions with children with anxiety disorders: Emotional expressivity and flexibility of dyads. *Journal of Abnormal Child Psychology*, *46*(2), 331-342.

Van der Waerden, J., Bernard, J., De Agostini, M., Saurel-Cubizolles, M. J., Peyre, H., Heude, B., & Melchior, M. (2016). Persistent maternal depressive symptoms trajectories influence children's IQ: The EDEN mother-child cohort. *Depression and Anxiety*, *34*(2), 105-117.

Wacha, V. H. (2010). *Attachment partners relationship to intelligence and academic achievement in school-age children.* Doctoral dissertation, University of Arizona.

Webster-Nelson, D., & Sim, E. K. (2014). Positive affect facilitates social problem solving. *Journal of Applied Social Psychology*, *44*(10), 635-642.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.4.2.6]